



نقدی بر دادگاه‌های کیفری اختصاصی در ایران

علی دهقانی* - دکتر محمد آشوری**

چکیده:

تشکیل دادگاه‌های اختصاصی ممکن است رعایت اصل تساوی افراد در مقابل دادگاه‌ها را که در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است، به مخاطره اندازد. این اسناد تأسیس دادگاه‌های اختصاصی را منع نمی‌کند؛ اما آنچه تأکید شده رعایت مؤلفه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه در آن دادگاه‌ها می‌باشد. هرچند در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که تشکیل یا وجود دادگاه‌های اختصاصی حق برابری در مقابل دادگاه را نقض می‌کند؛ لیکن به نظر می‌رسد در خصوص برخی اقشار جامعه به لحاظ شرایط خاص و تکالیفی که در قبال جامعه دارند و تخصصی بودن جرایم ارتكابی آنان، وجود چنین مراجعی به شرط تضمین معیارها و استانداردهای دادرسی عادلانه ضروری باشد، کما اینکه در اکثر کشورها چنین دادگاه‌هایی وجود دارد. نسبت به سایر دادگاه‌های اختصاصی در صورتی می‌توان تشکیل آنها را عدم نقض برابری در مقابل دادگاه دانست که کلیه ضوابط دادرسی عادلانه مشابه با دادگاه‌های عادی در آنها رعایت شود. قانون آیین دادرسی کیفری ایران رویکردی تحول‌گرایانه نسبت به دادگاه‌های اختصاصی داشته و رسیدگی در این دادگاه‌ها را به شیوه اتهامی نزدیک نموده است و دادگاه‌های انقلاب و نظامی را تابع آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری عمومی قرار داده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جهت افزایش جرایم واقع در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب گام برداشته است؛ لیکن رسیدگی در این دادگاه را تابع مقررات عام رسیدگی قرار داده است. در این مقاله دادگاه‌های اختصاصی ایران با تکیه بر اسناد بین‌المللی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، نیمسال اول ۱۳۹۹
صفحه ۲۰۳-۱۷۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

* دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران، نویسنده مسئول
Email: dehghanidad@ymail.com
** استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی (استاد راهنما)، گروه حقوق کیفری دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
Email: m-ashouri@srbiau.ac.ir

کلیدواژه‌ها:

دادگاه‌های اختصاصی، دادرسی عادلانه، قانون آیین دادرسی کیفری، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای.

مقدمه

دادگاه‌های اختصاصی در اغلب کشورها در معیت محاکم عمومی دادگستری به‌موجب قانون تأسیس و صلاحیت رسیدگی به برخی جرایم را دارا می‌باشند. تشکیل این مراجع بر اساس دو ضابطه نوعی و شخصی می‌باشد. برخی از آنها بدون توجه به شخصیت مرتکب و صرفاً بر اساس نوع جرم صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کنند و برخی دیگر با در نظر گرفتن شخصیت متهمین به جرایم ارتكابی آنان رسیدگی می‌نمایند. دادگاه‌های انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت در ایران از این دسته هستند. از ویژگی‌های آنها می‌توان به تسریع در رسیدگی، سخت‌گیری و شدت عمل، محدود بودن صلاحیت و غیرعلنی بودن رسیدگی‌ها نام برد. بررسی و مطالعه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که تأسیس دادگاه‌های اختصاصی مورد تأکید نبوده‌اند و آنچه در این اسناد به‌عنوان معیار تشکیل مراجع قضایی مدنظر می‌باشد، دادگاه صلاحیت‌دار، قانونی و مستقل و رعایت موازین دادرسی عادلانه و منصفانه است. از طرفی منعی در ایجاد دادگاه‌های اختصاصی به شرط رعایت معیارهای دادرسی عادلانه در اسناد مذکور مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین پیش‌شرط تشکیل مراجع کیفری اختصاصی فراهم نمودن ارکان و لوازم دادرسی عادلانه مشابه با دادگاه‌های عادی و تبعیت از آیین دادرسی واحد می‌باشد. قانون آیین دادرسی کیفری ضمن برشمردن اصول بنیادین دادرسی کیفری در مواد اولیه نظر به اعمال شیوه دادرسی واحد در کلیه مراجع قضایی کیفری اعم از عمومی و اختصاصی و حذف آیین دادرسی افتراقی سابق در دادگاه‌های اختصاصی داشته است. در همین راستا تلاش شده کلیه دادگاه‌های اختصاصی را تحت حاکمیت آیین دادرسی کیفری جدید قرار دهد. آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد توجه به این نکته بوده که رویکرد نظام عدالت کیفری ایران نسبت به دادگاه‌های اختصاصی چگونه است؟ آیا به معیارهای بیان‌شده در اسناد مذکور توجه داشته یا خیر و اینکه اساساً جایگاه محاکم کیفری اختصاصی در قانون آیین دادرسی کیفری کجاست، آیا می‌توان با ایجاد شعبی از دادگاه‌های عمومی به‌عنوان شعب تخصصی به همان اهداف مورد نظر در تأسیس محاکم اختصاصی رسید؟ به‌نظر می‌رسد ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرایم گروه یا

قشر خاصی از افراد به لحاظ وظایف، موقعیت شغلی و جایگاه آنان بیش از تشکیل دادگاه‌های مذکور بر اساس نوع جرم باشد. از طرفی آنچه در دادگاه‌های اختصاصی بر اساس ضابطه شخصی مدنظر قرار می‌گیرد، محدود نمودن صلاحیت آن مراجع و عدم تسری صلاحیت آنها به اشخاص عادی می‌باشد که این موضوع در دادگاه‌های نظامی و ویژه روحانیت مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش شده با بررسی، تجزیه و تحلیل سؤالات و ابهامات مطروحه به نقد و بررسی دادگاه‌های اختصاصی در نظام عدالت کیفری ایران پرداخته، پیشنهادات و اصلاحات ضروری ارائه شود.

۱- اصل قانونی بودن دادگاه‌ها

شرط قانونی بودن دادگاه در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. در واقع این امر خود پیش شرط یک دادرسی عادلانه و فراهم کننده زمینه تحقق آن است. به عبارت دیگر قانونی بودن دادگاه مقتضای اصل حاکمیت قانون است و ارتباط و ملازمه منطقی بین دادرسی عادلانه و قانونی بودن دادگاه وجود دارد؛ زیرا دادگاهی که بر اساس قانون تشکیل نشده باشد، نمی‌تواند به یک دادرسی عادلانه مبادرت ورزد و مرجع صالحی برای این امر محسوب نمی‌شود.^۱ برای اثبات این ویژگی در نظام حقوقی ایران می‌توان مبانی اصل قانونی بودن دادگاه‌ها (اعم از عادی و اختصاصی) را از اصول ۶۱ و ۱۵۹ قانون اساسی استنباط کرد. طبق اصل ۶۱ قانون اساسی «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد»؛ و برابر اصل ۱۵۹ قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.» منظور از قانون در این اصل، صرفاً قانون داخلی و مصوب قوه مقننه است؛ بنابراین مرجع صالح برای تشکیل و تعیین صلاحیت مراجع و مقامات قضایی، قوه مقننه است.^۲ اصل قانونی بودن مرجع قضایی به عنوان یکی از تضمینات اساسی امنیت قضایی و عدالت کیفری به شمار می‌رود که به عنوان تجربه موفق

۱. محمود صابر، *آیین دادرسی کیفری بین‌المللی* (تهران: انتشارات دادگستری، بهار ۱۳۹۴)، چاپ دوم، ۱۷۳.
۲. علی جانی‌پور، *دادگاه‌های کیفری اختصاصی تحلیلی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران*، (موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳)، ۴۷.

تاریخی در نظام بین‌المللی و حقوق داخلی مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳

اصل قانونی بودن مراجع قضایی اعم از این است که مرجع رسیدگی فاقد وجاهت قانونی بوده و اساساً تشکیل آن به موجب قانون نبوده یا اینکه قانونی بوده، ولی به موجب قانون صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته باشد. آنچه به عنوان نتیجه غیرقانونی بودن مرجع قضایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، عدم اعتبار تصمیمات صادره از سوی آن مرجع می‌باشد. در همین راستا قانونگذار در فصل اول از بخش سوم قانون آیین دادرسی کیفری در مواد ۲۹۴ تا ۳۱۷ به بیان تشکیلات دادگاه‌ها، قواعد و مقررات مربوط به صلاحیت پرداخته است و در مواد ۴۳۴ و ۴۶۴ ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی و ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت که منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه باشد به ترتیب به عنوان یکی از جهات تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان و فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور بیان شده است و در بند پ ماده ۴۵۰ صدور رأی از سوی دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی و محلی نقض رأی در دادگاه تجدیدنظر استان و همچنین حسب قسمت سوم بند ب ماده ۴۶۹ صدور رأی از مرجع قضایی فاقد صلاحیت ذاتی نقض رأی توسط دیوان عالی کشور را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر اینکه قانونی بودن دادگاه اعم از عمومی یا اختصاصی جزء شرایط اساسی تأسیس مراجع قضایی است، افراد نیز باید در برابر آنها مساوی و از وضعیت یکسانی برخوردار باشند.

۲- تساوی در برابر دادگاه‌ها

برابری در مقابل دادگاه ایده‌ای است که در اولین جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تصریح قرار گرفته است: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری برابر خواهند بود.» این حق در دیگر اسناد عام بین‌المللی حقوق بشری مورد تصریح قرار نگرفته، گرچه در اسناد خاص حقوق بشری همچون کنوانسیون رفع تبعیض نژادی^۴ و یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان^۵ این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. حق برابری در مقابل

۳. زینب باقری نژاد، *اصول آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴)، چاپ اول، ۲۴۴.

۴. بند الف این کنوانسیون حق برابر افراد بدون توجه به نژاد آنها در دیوان‌ها و دیگر مراجع دادگستری را مورد تصریح قرار داده است.

۵. بر اساس بند ۲ ماده ۱۵ این کنوانسیون کشورهای عضو متعهد شده‌اند که در تمام مراحل رسیدگی در دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری با زنان رفتار برابری با مردان داشته باشند.

دادگاه در ماده ۱۴ میثاق در کنار اصل منع تبعیض مطرح شده، در بند ۱ ماده ۲ همین میثاق به این نتیجه منجر می‌شود که همه افراد بدون تبعیض باید به صورت برابر از حمایت دستگاه قضایی در تضمین حقوقشان برخوردار باشند و دادگاه رفتاری برابر با آنها داشته باشد. ماده ۲۶ میثاق تصریح می‌کند که همه افراد باید به صورت برابر از حمایت قانون برخوردار باشند و کشورها متعهد می‌شوند با هرگونه امکان تبعیض در بهره‌مندی از حمایت قانونی مقابله نموده و زمینه‌های آن را از بین ببرند.^۶

ضرورت رفتار مساوی توسط دادگاه‌ها در پرونده‌های کیفری دارای دو جنبه مهم است؛ اولاً، یک اصل اساسی این است که دفاع و تعقیب باید به شیوه‌ای انجام شود که فرصت برابر طرفین برای تهیه اقامه دعوا در طول روند دادرسی تضمین شود؛ ثانیاً، هر متهمی حق داشته باشد که همانند با سایر افراد دارای موقعیت مشابه بدون تبعیض بر اساس هر یک از موارد مذکور در ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی رفتار شود. رفتار مساوی در این زمینه به معنای برخورد یکسان نیست؛ بلکه بدین معناست که در شرایط و اوضاع و احوال مشابه برخورد دستگاه قضایی باید مشابه باشد. حکم مرجع قضایی یا اداری چنانچه بر پایه تبعیض باشد اصل تساوی را نقض می‌کند.^۷

تشکیل دادگاه‌های اختصاصی ممکن است اصل تساوی در مقابل دادگاه‌ها و برابری اشخاص را به مخاطره اندازد. تأسیس این‌گونه مراجع رسیدگی در کنار مراجع عمومی باید مبتنی بر دلایل قابل قبولی باشد تا سلب صلاحیت از مراجع عمومی را به نفع آنها را توجیه نماید، معمولاً مراجع اختصاصی با یکی از دو هدف زیر تأسیس می‌شوند: یا با هدف شدت عمل و سخت‌گیری بیشتر نسبت به برخی متهمان (مانند دادگاه انقلاب) یا با هدف دقت عمل و سهل‌گیری بیشتر نسبت به برخی متهمان (مانند دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان).^۸ در اسناد بین‌المللی اصلی به نام قاضی عادی وجود دارد، این اصل مبین این است که هیچ‌کس را نمی‌توان محاکمه کرد مگر به وسیله یک محکمه عادی صلاحیت‌دار که از پیش تعیین شده

۶. سید محمد قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، (دفتر دوم، جستارهای تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها) (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، چاپ سوم، ۲۱۷ و ۲۱۸.

۷. دیوید ویسبرت و فردریکسون بایرون، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشراقی (تهران: نشر میزان، پاییز ۱۳۸۶)، چاپ اول، ۱۲۶.

۸. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شهریور ۱۳۹۶)، جلد دوم، چاپ سی و پنجم، ۵۹ و ۶۰.

باشد. علی‌رغم اینکه اسناد بین‌المللی صریحاً به حق محاکمه توسط محاکم عادی اشاره دارند، به نظر می‌رسد این اختیار به دولت‌ها داده شده باشد تا بتوانند در مواردی اقدام به تشکیل دادگاه‌های کیفری اختصاصی کنند. البته استفاده از این حق منوط به رعایت تشریفات کامل دادرسی منصفانه است.^۹ اغلب آیین دادرسی در دادگاه‌های خاص واجد تضمینات دادرسی عادلانه کمتری نسبت به دادگاه‌های عادی هستند با وجود این کمیته حقوق بشر نظر داد که مقررات ماده ۱۴ میثاق باید در محاکمات تمام دادگاه‌ها خواه عادی یا خاص اعمال شود.^{۱۰}

با این اوصاف درست است که در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که تشکیل یا وجود دادگاه‌های اختصاصی حق برابری در مقابل دادگاه را به مخاطره می‌اندازد؛ لیکن به نظر می‌رسد اولاً، در خصوص برخی اقشار جامعه به لحاظ شرایط خاص و تکالیف آنان در قبال جامعه و تخصصی بودن جرایم ارتكابی، وجود چنین مراجعی به شرط تضمین معیارها و استانداردهای دادرسی عادلانه و منصفانه ضروری باشد، کما اینکه در اکثر کشورها چنین دادگاه‌هایی وجود دارد؛ ثانیاً، نسبت به سایر دادگاه‌های اختصاصی در صورتی می‌توان تشکیل آنها را عدم نقض برابری در مقابل دادگاه دانست که کلیه ضوابط دادرسی عادلانه مشابه با دادگاه‌های عادی در آنها رعایت شود.

۳- دادگاه‌های اختصاصی و تساوی در اجرای قواعد دادرسی کیفری

برابری انسان‌ها به‌طور کلی موجب برابری آنها در زمینه‌های مختلف و از جمله در برخورداری از حقوق و یا تکالیف دادرسی است و اصلاً چون افراد برابر هستند و از حقوق مساوی برخوردارند، باید با آنها به‌طور مساوی برخورد شود. حقوق مساوی باید به‌طور مساوی نیز حمایت شود و الاً اگر حمایت از حقوق مساوی، به‌طور نامساوی باشد دیگر نمی‌توان از یکسان بودن آن سخن گفت. افراد باید از یک طرف بدون توجه به تفاوت‌های فردی، حسب مورد برای دادخواهی یا دفاع از خود، به دستگاه قضایی دسترسی برابر داشته باشند و از طرف دیگر، پس از ورود به فرایند دادرسی، از امکانات و تسهیلات برابر برخوردار باشند.^{۱۱}

۹. جانی‌پور، پیشین، ۱۰۰ و ۱۰۱.

۱۰. ویسبرت و بایرون، پیشین، ۲۵۵ و ۲۵۶.

۱۱. مرتضی ناجی‌زواره، *دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴)، چاپ دوم، ۱۱۷ و ۱۱۸.

حمایت مساوی قانون از منظر ماده ۲۶ میثاق بدین معناست که قواعد دادرسی نسبت به افراد مختلف که به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، بدون توجه به تفاوت‌های آنان یکسان اجرا شود. به‌طور کلی با توجه به اینکه قانون آیین دادرسی کیفری حمایت‌کننده از آزادی‌های فردی است و اعمال قوانین کیفری ماهوی از طریق آن امکان‌پذیر است، از اهمیت بسزائی برخوردار می‌باشد. علی‌رغم ضرورت اجرای یکسان قواعد دادرسی کیفری که در واقع یکی از اصول بنیادین حاکم بر دادرسی‌های کیفری است؛ لیکن به دلایلی از قبیل سرعت در دادرسی، شدت عمل در واکنش کیفری و یا اعمال سیاست کیفری خاص در مورد برخی مجرمین، در قوانین داخلی مراجع قضایی اختصاصی یا تخصصی در کنار دادگاه‌های عمومی پیش‌بینی شده‌اند که در صورت رعایت تضمینات دادرسی عادلانه در این مراجع منافاتی با اصل ضرورت اجرای قواعد دادرسی مشابه نسبت به افراد تحت تعقیب ندارد.

ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح نموده که «قواعد دادرسی کیفری باید نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.» هرچند ماده قانونی فوق به این امر تصریح نموده است؛ اما مانع از آن نخواهد بود که گاه مراجع قضایی به دستور قانونگذار خصوصیات فردی متهم را برای اعمال قوانین دادرسی کیفری در نظر بگیرند، اقدامی که می‌تواند عدم اعمال یکسان این قاعده را نسبت به اشخاص مختلف به دنبال داشته باشد.^{۱۲} نابرابری و عدم تساوی در اجرای مقررات دادرسی مربوط به زمانی است که افراد مختلف با ارتکاب جرایم مشابه با دو شیوه دادرسی متفاوت مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند و الاً چنانچه مراجع اختصاصی از آیین دادرسی مشابه با مراجع عمومی تبعیت نمایند، هیچ مغایرتی با اصل تساوی در اجرای قواعد دادرسی کیفری ندارد.

۴- صلاحیت و ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی

اولین و مهم‌ترین اصل در مراجع قضایی، تشکیل آن به موجب قانون است که محاکم اختصاصی نیز از این اصل مستثنی نیستند. محاکم اختصاصی کیفری صرف نظر از دلایل تأسیس آنها مراجعی هستند که به موجب قانون صلاحیت رسیدگی به جرایم خاص و یا جرایم

۱۲. علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، چاپ اول، ۲۴.

افراد خاص را به موجب قانون دارا هستند و صلاحیت این مراجع محدود و استثنائی است. یکی از ویژگی‌های مشترک در میان اغلب مراجع اختصاصی، محدودیت‌های حق دفاع متهم به شکل برگزاری محاکمه غیرعلنی یا عدم‌استقبال از برخورداری از وکیل در این مراجع است. معمولاً در مراجع اختصاصی به دلیل محدود بودن صلاحیت آنها به جرایم معین یا اشخاص معین، طول مدت رسیدگی به پرونده‌ها نسبت به مراجع عمومی کمتر است و این ویژگی در مورد برخی جرایم، مانند جرایم نظامی که سرعت در واکنش مناسب در برابر جرم از اهمیت زیادی برخوردار است، بسیار مورد توجه قرار دارد.^{۱۳} بنابراین قانونی بودن تشکیل، محدود بودن صلاحیت، تسریع در رسیدگی و دادرسی غیرعلنی، از خصوصیات دادگاه‌های اختصاصی است. صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی نیازمند تصریح قانون است و اصل بر عدم صلاحیت آنهاست، این دادگاه‌ها را دادگاه‌های استثنائی نیز نامیده‌اند. معمولاً از اوصاف این دادگاه‌ها، یکی سرعت در رسیدگی و دیگری شدت در برخورد کیفری است و معمولاً انگیزه یا انگیزه‌های تأسیس این دادگاه‌ها به گونه‌ای است که عادلانه بودن دادرسی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد.^{۱۴} با توجه به اینکه اختصاصی بودن دادگاه‌ها بر پایه شخصیت مرتکب یا ماهیت جرم استوار است. نکته قابل توجه این است که قواعد صلاحیت شخصی و صلاحیت موضوعی مبنای تشکیل دادگاه‌های اختصاصی و به تبع آن منشأ ایجاد صلاحیت در این وضعیت هستند.^{۱۵}

در اسناد بین‌المللی به طور کلی به مراجع قضایی، شرایط و معیارهای آن اشاره شده و دادگاه‌های کیفری اختصاصی و ویژگی‌های آنها مورد تصریح قرار نگرفته‌اند؛ بنابراین تأسیس آنها در کشورها منوط به رعایت موازین و معیارهای دادرسی منصفانه همانند دادگاه‌های کیفری عادی است و صرفاً از جهت حدود صلاحیت با هم تفاوت دارند. در کنار محاکم کیفری اختصاصی در سیستم عدالت کیفری کشورها، دادگاه‌های تخصصی نیز وجود دارند که در واقع شعبی از دادگاه‌های عمومی هستند که به پرونده‌های خاص و یا گروه خاصی از افراد جامعه مانند اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌نمایند، البته این موضوع مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نخواهد بود. تشکیل دادگاه‌های تخصصی در اسناد بین‌المللی مورد استقبال

۱۳. خالقی، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ۶۰.

۱۴. مرتضی ناجی‌زواره، آشنایی با آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴)، جلد دوم، چاپ اول، ۲۴.

۱۵. جواد طهماسبی، آیین دادرسی کیفری (تهران: نشر میزان، بهار ۱۳۹۶)، جلد سوم، چاپ اول، ۳۴.

واقع شده است و عمدتاً دولت‌های عضو را به تشکیل چنین محاکمی تشویق می‌کنند. رویکرد اکثر کشورهای جهان نیز در سال‌های اخیر به سمت تأسیس و افزایش تعداد محاکم تخصصی با استفاده از قضاات آموزش‌دیده و متخصص است.^{۱۶}

۵- تفکیک دادگاه‌های اختصاصی از شعب تخصصی

دادگاه‌های بدوی کیفری ممکن است واجد صلاحیت عام یا عمومی باشند؛ بدین معنا که صلاحیت رسیدگی به عموم جرایم را داشته باشند، مگر در مواردی که در قانون استثناء شده است و یا ممکن است واجد شرایط اختصاصی و استثنائی باشند، بدین معنا که صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را نداشته باشند، مگر جرایمی که استثنائاً طبق قانون در صلاحیت آنها قرار گرفته است. البته در اجرای ماده ۵۶۶^{۱۷} قانون آیین دادرسی کیفری ممکن است شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها (همانند دادرها) باتوجه به نوع دعاوی، به عنوان «دادگاه تخصصی» رسیدگی کنند.^{۱۸} اختصاصی شدن دادگاه‌ها با تخصصی بودن آنها متفاوت است. تخصصی بودن دادگاه‌ها و قضاات در امر رسیدگی نه تنها امر مذمومی نیست، بلکه بنا به پیشرفت و پیچیده شدن جوامع، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. آنچه که حقوق دانان را نسبت به اختصاصی بودن دادگاه بدبین می‌سازد؛ تخصصی بودن آن نیست؛ بلکه فاصله گرفتن آن از ضوابط حاکم بر دادرسی کیفری است. باتوجه به اصل ۱۷۲ قانون اساسی که تنها یک نوع دادگاه اختصاصی (دادگاه نظامی) را پیش‌بینی نموده است باید از تعدد مراجع اختصاصی پرهیز نمود.^{۱۹} بنابراین بر اساس ضوابط و معیارهای اعلام‌شده می‌توان بین مراجع مذکور قائل به تفاوت شد؛ لیکن نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، این است که در دادگاه‌های اختصاصی علاوه بر محدودیت در صلاحیت، طبیعتاً شیوه و آیین دادرسی در این مراجع نیز متفاوت از محاکم عمومی است و حتی محدودیت‌هایی راجع به حقوق دفاعی متهم

۱۶. جانی‌پور، پیشین، ۵۸.

۱۷. «تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلفند باتوجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند. تبصره - شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی اعم از حقوقی و کیفری موضوع این ماده به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

۱۸. ناجی‌زواره، آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، پیشین، ۱۲.

۱۹. مصطفی پاک‌نیت، افتراقی شدن دادرسی کیفری (تهران: نشر میزان، تابستان ۱۳۹۶)، چاپ اول، ۲۵۷ و

باتوجه به خصوصیات دادگاه‌های اختصاصی از جمله شدت برخورد و تسریع در رسیدگی وجود دارد. این نوع تلقی از محاکم کیفری اختصاصی مربوط به زمانی بود که حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه مورد تأکید اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در این مراجع رعایت نمی‌شد و دولت‌ها از یک نظام افتراقی با رویکرد شدت عمل پیروی می‌کردند و آلا در حال حاضر طبق اسناد بین‌المللی تأسیس دادگاه‌های اختصاصی در شرایطی پذیرفته شده است که معیارها و ضوابط دادرسی منصفانه همانند دادگاه‌های عادی در آنها رعایت شود، با این وصف گرایش به تخصصی نمودن دادگاه‌ها بیش از اختصاصی کردن آنهاست؛ بنابراین جز در مواردی که بر اساس شخصیت متهم بنا به مصالحی ایجاد مراجع اختصاصی را با رعایت اصول دادرسی عادلانه ایجاب می‌نماید، به نظر می‌رسد در سایر موارد نیازی به تأسیس دادگاه اختصاصی نیست و دادگاه‌های تخصصی جایگزین مناسبی برای آنها خواهد بود.

حال سوالاتی که مطرح می‌شود این است که هدف از تأسیس مراجع کیفری اختصاصی بر اساس نوع جرم چیست؟ اساساً چه توجیهی برای تشکیل آنها وجود دارد؟ آیا نمی‌توان با تخصصی نمودن شعب کیفری به همان اهدافی که در تأسیس دادگاه‌های کیفری اختصاصی وجود دارد، رسید؟ پاسخ منطقی به این پرسش‌ها مستلزم بررسی انواع دادگاه‌های کیفری اختصاصی در ایران و نقد و بررسی هر کدام و رویکرد قانونگذار در مورد آنها می‌باشد.

۶- دادگاه‌های اختصاصی در ایران

اختصاصی بودن دادگاه‌ها نمود بارز افتراقی شدن دادرسی کیفری است؛ چراکه شیوه رسیدگی در آنها متمایز از سایر دادگاه‌هاست و به دور از اصول کلی دادرسی کیفری و گفتمان حقوق بشری حاکم است.^{۲۰} دادگاه اختصاصی دادگاهی است که حق رسیدگی به هیچ جرمی را ندارد مگر اینکه در قانون به‌طور صریح این حق مقرر شده باشد. مثل دادگاه‌های انقلاب، اطفال و نوجوانان، روحانیت و نظامی که صلاحیت آنها به‌طور مشخص در قانون احصاء شده است.^{۲۱} از نظر صلاحیت اختصاصی، هر یک از مراجع کیفری در کشور ما از مراجع مختلفی با صلاحیت‌های گوناگون تشکیل شده‌اند که هر یک مأمور رسیدگی به جرایم معینی هستند. صلاحیت برخی از آنها بر اساس نوع جرم یا میزان مجازات آنها تعیین گردیده و صلاحیت برخی دیگر بر اساس شخصیت مرتکب معین شده است. در برخی نیز هر دو معیار عینی و

۲۰. پاک‌نیت، پیشین، ۲۵۶.

۲۱. طهماسبی، پیشین، ۳۲ و ۸۱.

شخصی ضابطه تعیین صلاحیت یک مرجع قرار گرفته‌اند.^{۲۲} مراجع اختصاصی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به جرایم خاصی را بر مبنای نوع جرم یا باتوجه به شخصیت مرتکب جرم یا سن مرتکب دارا می‌باشند. برخی از این مراجع در قانون اساسی و برخی دیگر در قوانین عادی پیش‌بینی شده‌اند. به موجب قوانین مذکور مراجع اختصاصی عبارتند از: ۱- دادگاه نظامی؛ ۲- دادگاه انقلاب اسلامی؛ ۳- دادگاه ویژه روحانیت.^{۲۳} در نظام فعلی دادرسی کیفری ایران باتوجه به ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شوند؛ و باتوجه به مواد دیگر این قانون می‌توان گفت هفت نوع دادگاه پیش‌بینی شده است که چهار مورد آن (دادگاه کیفری دو، کیفری یک، دادگاه بخش و دادگاه اطفال و نوجوانان) از نوع عمومی و سه نوع آن (دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی و دادگاه ویژه روحانیت) از نوع اختصاصی است.^{۲۴} شفاف نبودن ضابطه تفکیک دادگاه‌های کیفری عمومی از اختصاصی سبب شده تا نویسندگان آیین دادرسی کیفری در مورد تقسیم‌بندی دادگاه‌ها به عمومی و اختصاصی اتفاق نظر نداشته باشند. دادگاه انقلاب که صلاحیت آن مبتنی بر ماهیت و طبیعت جرم شکل گرفته و دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، نظامی و ویژه روحانیت که شخصیت مرتکب معیار تعیین صلاحیت آنهاست از جمله دادگاه‌های اختصاصی محسوب می‌شوند و دادگاه‌های کیفری یک و دو که معیار صلاحیت آنها شدت و ضعف مجازات است و به تبع آن دادگاه بخش دادگاه عمومی محسوب می‌شوند.^{۲۵} برخی دادگاه‌های کیفری دو و کیفری یک را از جمله دادگاه‌های عمومی و سایر دادگاه‌ها را اختصاصی محسوب نموده‌اند.^{۲۶} در خصوص اختصاصی بودن دادگاه‌های انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت که بر اساس ضابطه نوعی (نوع جرم) و شخصی (شخصیت مرتکب) تشکیل شده و مشغول فعالیت هستند، بین صاحب نظران اتفاق نظر وجود دارد؛ ولی اختصاصی تلقی نمودن دادگاه اطفال به زعم برخی نویسندگان محل تردید است.

۲۲. خالقی، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ۴۹ و ۵۰.

۲۳. رجب گلدوست جویباری، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۶)، چاپ دهم، ۲۳۳.

۲۴. منصور رحمدل، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات دادگستر، پاییز ۱۳۹۴)، جلد دوم، چاپ دوم، ۲۱۹.

۲۵. طهماسبی، پیشین، ۸۰.

۲۶. خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ۵۱.

با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، رویکردی جدید و تحول‌گرایانه نسبت به دادگاه‌های اختصاصی اتخاذ شد که در نظام دادرسی کشورمان بی‌سابقه بوده است و بجز دادگاه ویژه روحانیت که کماکان از شیوه دادرسی افتراقی تبعیت می‌نماید، دادگاه‌های انقلاب و نظامی تابع آیین دادرسی حاکم بر دادگاه‌های کیفری عمومی قرار گرفتند. از مراجع فوق دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نظامی باتوجه به توسعه صلاحیت آنها، در برخی موارد به اتهامات افراد عادی هم رسیدگی می‌نمایند.

۶-۱- دادگاه انقلاب

این دادگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به موجب آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۰۳/۲۷ تأسیس شد و حدود صلاحیت آن در ماده ۲۷^{۲۷} آیین‌نامه مذکور تعیین گردید. درواقع، هدف این بوده که برای برخورد قاطع و شدید با اعمالی که موجب تحکیم پایه‌های رژیم گذشته بوده و یا انقلاب نوپای اسلامی را به مخاطره می‌افکنده است، دادگاهی خاص تشکیل شود و به منظور پاسداری از دستاوردهای انقلاب، این دادگاه همچنان باقی است.^{۲۸}

قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری برخی با وجود و استمرار این دادگاه‌ها مخالف بوده و معتقد بودند جهت احتراز از تعدد مراجع قضایی و وجود محاکم اختصاصی که به دلایل عدیده باید از آن اجتناب نمود، پیشنهاد انحلال این دادگاه‌ها و یا حداقل محدود نمودن صلاحیت آنها به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را مطرح نمودند.^{۲۹} دادگاه انقلاب که به جرایم مهمی که غالباً مجازات‌های سنگینی همچون اعدام، حبس ابد، به صلیب کشیدن، قطع عضو و غیره را در پی دارد، رسیدگی می‌کند. این دادگاه به‌عنوان دادگاهی استثنائی در نظام تقنینی درمقابل دادگاه‌های عمومی محسوب می‌شود. در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت دادگاه انقلاب به جرایم علیه امنیت و مواد مخدر و توهین به مقام رهبری محدود شده است. این مطلب مؤید تحدید صلاحیت این دادگاه‌ها در سیر تحول

۲۷. «جرایمی که قبل از پیروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی و ایجاد و حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است یا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران روی داده یا می‌دهد.»

۲۸. خالقی، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ۶۹.

۲۹. محمود آخوندی اصل، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۴)، جلد چهارم، چاپ اول، ۱۰۴.

قانونی دادرسی کیفری پس از انقلاب و دلیلی بر ماهیت استثنائی آنهاست.^{۳۰} در قانون آیین دادرسی کیفری سعی شده است تا از اختصاصی بودن دادگاه انقلاب کاسته شود و دادگاه انقلاب به‌مثابه شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی محسوب و به جرایم علیه امنیت رسیدگی نماید.^{۳۱} البته از لحاظ تئوری آیین دادرسی کیفری، صلاحیت دادگاه انقلاب را نمی‌توان از مقوله صلاحیت ذاتی به‌شمار آورد. از این دید، دادگاه انقلاب، یک دادگاه تخصصی است که به جرایم خاصی رسیدگی می‌کند و باید آن را به‌عنوان شعبه‌هایی از دادگاه عمومی به‌شمار آورد؛ ولی قانونگذار ما دادگاه مزبور را به‌عنوان یک دادگاه اختصاصی در نظر گرفته است.^{۳۲} به‌موجب قاعده صلاحیت موضوعی نوع جرم یعنی ماهیت آن است که صلاحیت برخی از دادگاه‌های اختصاصی را سروسامان می‌دهد و به‌نوبه خود نوعی صلاحیت ذاتی ایجاد می‌کند. در نظام حقوقی ما صلاحیت دادگاه انقلاب مبتنی بر این قاعده است.^{۳۳}

با لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه انقلاب تابع آیین دادرسی مشابه با دادگاه‌های کیفری عمومی قرار گرفت. به‌عنوان مثال تا قبل از تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم مواد مخدر از شیوه دادرسی افتراقی مغایر با سایر جرایم پیروی می‌کرد و اساساً رسیدگی‌ها و برخی اصول حاکم بر دادرسی متفاوت و مغایر با معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه بود. در قانون آیین دادرسی کیفری تضمینات دادرسی منصفانه و عادلانه و اصول بنیادین حاکم بر دادرسی مندرج در مواد ۲ تا ۷ ناظر بر کلیه دادگاه‌های کیفری است. از طرفی به‌موجب ماده ۲۹۴ قانون مذکور دادگاه انقلاب نیز به‌عنوان یکی از دادگاه‌های کیفری است.

در حال حاضر تنها جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب که از شیوه دادرسی تقریباً افتراقی تبعیت می‌کنند و در قانون آیین دادرسی کیفری محدودیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی راجع به آنها (مغایر با سایر جرایم) در نظر گرفته شده است، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و جرایم سازمان‌یافته می‌باشد که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ قانون مذکور است،

۳۰. روح‌الله سپهری، *آیین دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی استثنائات در حقوق ایران و فرانسه)* (تهران: انتشارات دادگستر، زمستان ۱۳۹۵)، چاپ اول، ۲۱۶ و ۲۱۷.

۳۱. پاک‌نیت، پیشین، ۲۶۸.

۳۲. عباس منصورآبادی و فضل‌الله فروغی، *آیین دادرسی کیفری ۱* (تهران: نشر میزان، بهار ۱۳۹۶)، چاپ دوم، ۷۳.

۳۳. طهماسبی، پیشین، ۳۴.

در حال حاضر تنها جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب که از شیوه تقریباً افتراقی تبعیت می‌کنند، جرایم موضوع تبصره اصلاحی (۱۳۹۴/۰۳/۲۴) ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.^{۳۴} همچنین جرایم کلان اقتصادی موضوع قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ با اصلاحات ۱۳۸۴ که در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد، با توجه به شرایط خاص اقتصادی حاکم در جامعه و افزایش جرایم کلان اقتصادی در پی درخواست رئیس محترم قوه قضائیه از «مقام معظم رهبری» در ۱۳۹۷/۰۵/۲۳ با محدودیت‌هایی نسبت به حقوق متهمان و محکومان، در صلاحیت شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب تهران، با تعدد قاضی و درموردی، به تشخیص رئیس قوه قضائیه در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب مراکز استان‌ها به مدت دو سال قرار گرفته است، نیز از شیوه دادرسی افتراقی تبعیت می‌نماید.

علی‌ای حال با توجه به اینکه طبق تبصره ۲ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب درموردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند با انتخاب رئیس کل دادگستری استان و بدون داشتن ابلاغ ویژه دادگاه انقلاب از سوی رئیس قوه قضائیه بلامانع است و قضات تجدیدنظر که در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی جلوس می‌کنند، برخلاف رویه سابق که قضات دادگاه انقلاب الزاماً نیاز به ابلاغ قضایی ویژه از سوی رئیس قوه قضائیه داشتند، نیازی به ابلاغ ویژه دادگاه انقلاب ندارند که در همین راستا نظریه شماره ۹۳۷/۲۸۴۴-۱۱/۰۵-۱۳۹۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در تأیید آن اشعار داشته: «باتوجه به تصریح تبصره ۲ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر انتخاب مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر از سوی رئیس کل دادگستری استان، تعیین مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه‌های کیفری یک و انقلاب (درموردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کنند) با ابلاغ رئیس کل دادگستری استان (که به صورت موردی و در پرونده خاص است) نیاز به صدور ابلاغ قضایی از سوی رئیس محترم قوه قضائیه ندارد.» همچنین تبصره ماده ۲۹۷ (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) آن قانون، مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک در دادگاه انقلاب را درموردی که با تعدد قاضی رسیدگی

۳۴. «در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرایم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است. در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.»

می‌کند، قابل اجرا دانسته است. از طرفی دادگاه انقلاب به‌عنوان یکی از دادگاه‌های کیفری بوده که کلیه مقررات، ترتیبات رسیدگی، صدور و اعتراض به آرای آن نیز مشابه با دادگاه‌های کیفری یک و دو حسب مورد می‌باشد و حذف شیوه‌های دادرسی افتراقی قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در دادگاه انقلاب و اینکه مقررات دادرسی حاکم بر این دادگاه‌ها نیز مشابه با مراجع کیفری عمومی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری است؛ فلذا در وضعیت فعلی چنانچه در تعریف دادگاه‌های اختصاصی علاوه بر رسیدگی به موارد مصرح در قانون ضرورت وجود یک آیین دادرسی خاص را نیز لازم بدانیم، می‌توان دادگاه انقلاب را دادگاهی نیمه‌اختصاصی، نیمه‌عمومی دانست که از زمان تشکیل و فعالیت آن در اوایل انقلاب اسلامی تاکنون صلاحیتش به‌موجب قوانین عادی افزایش یافته و با احتیاط و به‌طور آهسته و آرام، آرام از شیوه تفتیشی آن کاسته شده و به سمت‌وسوی اتهامی و ترافعی بودن گام برداشته است، به‌نحوی که در حال حاضر نمی‌توان این دادگاه را یک دادگاه اختصاصی صرف و با شیوه دادرسی افتراقی نامید.

۶-۲- دادگاه‌های نظامی

نیروهای مسلح تابع نظم و انضباط خاصی هستند که نظیر آن را در هیچ سازمان دیگری نمی‌توان یافت و معمولاً در همه کشورها، دادگاه خاصی برای رسیدگی به جرایم اعضای نیروهای مسلح تشکیل شده‌اند که ویژگی آنها سرعت در رسیدگی و شدت در واکنش نسبت به این جرایم است.^{۳۵} دادگاه‌های نظامی در خیلی از کشورها برای محاکمه پرسنل نظامی تأسیس شده‌اند. به‌رحال چه محاکمه مربوط به اعضای نظامی یا غیرنظامی باشد، برای متهمی که در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند باید تمام حقوق دادرسی عادلانه مقرر در استانداردهای بین‌المللی تضمین شود.^{۳۶} کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۱۳ اعلام کرده است که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دادگاه‌های نظامی ممنوع نشده است، از این‌رو شرایط آنها به‌روشنی نشان می‌دهد که محاکمه افراد غیرنظامی در این دادگاه‌ها بسیار استثنائی و با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۴ میثاق ممکن است. در نظریه کمیسیون آفریقایی در مورد حقوق بشر و مردم مورخ می ۲۰۰۱ آمده است: «مرجع قضایی نظامی، فی‌نفسه نه مخالف با حقوق مندرج در منشور حقوق بشر و مردم است و نه متضمن رسیدگی ناعادلانه یا

۳۵. خالقی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، پیشین، ۶۱.

۳۶. ویسبرت و بایرون، پیشین، ۲۶۰.

غیرمنصفانه است، اما این دادگاه‌ها باید تابع مقررات انصاف، علنی بودن، عدالت، استقلال، تشریفات قانونی و هر فرایند دیگری باشند.^{۳۷} دادگاه‌های نظامی از جمله محاکم کیفری هستند که استانداردهای بین‌المللی نه‌تنها با تشکیل آنها مخالفتی نکرده، بلکه جهت رعایت تخصص‌گرایی وجود آنها را سودمند دانسته است. نگرانی از دادگاه‌های نظامی بیشتر معطوف به وابستگی آن به قوه مجریه و گسترش صلاحیت آن و شمول آن بر افراد غیرنظامی است.^{۳۸} در خصوص دادگاه‌های نظامی باید اشاره کرد از آنجاکه در اغلب کشورها رسیدگی به جرایم نظامی در صلاحیت چنین محاکمی است و بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز صریحاً تمایز میان اشخاص نظامی و غیرنظامی را رد نکرده است، وجود چنین مراجع قضایی، در صورت رعایت سایر تضمینات مقرر در ماده ۱۴ ناقض آن به‌شمار نمی‌آید.^{۳۹} در ایران دادگاه‌های نظامی به‌موجب قانون اساسی تشکیل شده‌اند که پس از تأسیس به‌تدریج صلاحیت آنها توسعه پیدا کرد و به جرایم نظامیان بجز جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، رسیدگی می‌کنند. این دادگاه تنها مرجع اختصاصی کیفری پیش‌بینی شده در قانون اساسی است. راجع به حدود صلاحیت این مراجع اصل ۱۷۲^{۴۰} قانون اساسی به‌صراحت اشاره داشته و در اجرای اصل مذکور مراجع قضایی نظامی جهت رسیدگی به جرایم خاص نظامی تأسیس شدند و بعداً به‌موجب قانون یا اجازه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری صلاحیت این مراجع افزایش پیدا کرد که در قانون آیین دادرسی کیفری نیز پیش‌بینی و مورد تصریح قرار گرفته است. به‌موجب ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی و اعضای نیروهای مسلح بجز جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود. در تبصره این ماده نیز رسیدگی به جرایمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت مراجع مذکور است. در تبصره ۴۱^۲

۳۷. جانی‌پور، پیشین، ۱۱۱.

۳۸. همان، ۲۶۰.

۳۹. مصطفی فضائی، *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، زمستان ۱۳۹۲)، چاپ سوم، ۶۷.

۴۰. «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهرداری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق با قانون تشکیل می‌شود. ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.»

۴۱. «منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص و انتظامی، جرایمی است که اعضای نیروی مسلح در ارتباط با

آن ماده نیز با ارائه تعریفی از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی تا حدودی صلاحیت این مراجع را توسعه داده است. ماده ۱ قانون تعیین حدود و صلاحیت دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۰۵/۰۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز صلاحیت این مراجع را توسعه داده است و مقرر داشته: «هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی، جرایم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی است.»

با الحاق آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح به‌عنوان بخش هشتم قانون آیین دادرسی کیفری، اصول و تضمینات دادرسی کیفری به دادگاه‌های نظامی تسری یافته و دادگاه نظامی همانند دادگاه انقلاب از مقررات دادرسی مشابه با سایر دادگاه‌های کیفری تبعیت می‌کند. آنچه در مقایسه آیین دادرسی دادگاه‌های نظامی با اسناد بین‌المللی قابل ذکر است، توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی در رسیدگی به جرایم عادی نظامیان و بعضاً رسیدگی به جرایم اشخاص غیرنظامی در محاکم نظامی است. توجه به این نکته ضروری است که رسیدگی در مراجع قضایی اختصاصی استثنائی است و باید به قدر متیقن و فقط در صورت ضرورت و آن هم با تضمینات دادرسی عادلانه انجام شود. تسری صلاحیت این مراجع به جرایم عادی نظامیان با شرایط فوق قابل توجیه است؛ ولی نسبت به اشخاص عادی می‌بایست یک موضوع کاملاً استثنائی باشد. رویه محاکمه شهروندان در دادگاه‌های نظامی گرچه صریحاً در استانداردهای بین‌المللی ممنوع نشده است؛ لکن رعایت موضوعات دادرسی عادلانه ضروری است.^{۴۲} هرچند کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۱۳ اعلام کرد که محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی باید بسیار استثنائی باشد و در شرایطی صورت گیرد که قطعاً تمام تضمین‌های مقرر در ماده ۱۴ میثاق رعایت شود، اما باید گفت اغلب استانداردهای بین‌المللی صراحتاً بر این نکته تأکید دارند که محاکمه افراد غیرنظامی باید به دادگاه‌های غیرنظامی واگذار شود.^{۴۳}

هرچند آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح به‌عنوان بخش هشتم قانون آیین دادرسی به این قانون الحاق و مواد مربوط به آن نیز در ادامه مواد قانونی آن قانون اضافه شده است؛

وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون برعهده آنان است، مرتکب می‌شوند.»

۴۲. ویسبرت و بایرون، پیشین، ۲۶۳.

۴۳. جانی‌پور، پیشین، ۱۱۵.

ولی ضرورت دارد شیوه‌هایی بعضاً افتراقی در دادرسی مراجع قضایی نظامی فقط در مورد نظامیان اجرا شود و اشخاص غیرنظامی تابع مقررات دادرسی دادگاه‌های کیفری عمومی باشند یا اتهام آنان در مراجع قضایی عمومی رسیدگی شود. انتخاب وکیل در دادسراها و دادگاه‌های نظامی نیز مشابه با محدودیت مندرج در تبصره (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری تابع شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۴۶۲۵^{۴۴} قانون مذکور می‌باشد.

۶-۳- دادگاه ویژه روحانیت

یکی دیگر از دادگاه‌های اختصاصی که در کشور ما تشکیل شده دادگاه ویژه روحانیت است. ویژگی خاصی که این دادگاه را از سایر دادگاه‌هایی که تاکنون مطالعه نموده‌ایم، جدا می‌کند عدم تصویب قانونی برای تشکیل آن توسط قوه مقننه و عدم تعلق آن به سازمان و تشکیلات رسمی قوه قضائیه، بلکه تأسیس و فعالیت تحت نظر مقام رهبری است.^{۴۵} این دادگاه‌ها به‌عنوان مرجع قضایی اختصاصی با شیوه دادرسی کاملاً افتراقی و متمایز از سایر مراجع کیفری عمومی و اختصاصی و با آیین دادرسی خاص در نظام دادرسی کیفری ایران، فعالیت دارند که به رسیدگی و صدور حکم در مورد جرایم روحانیون و افراد عادی مرتبط با شخص روحانی مشغول هستند.

تشکیل و شروع به کار این دادگاه را باید در همان آغاز انقلاب جستجو کرد. دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که آیین‌نامه آن در سال ۱۳۶۹ تصویب و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰ اصلاح شده از قوه قضائیه مستقل و همان‌گونه که ماده ۱ آن به‌صراحت اعلام داشته «تحت نظارت عالی مقام رهبری» ایجاد و فعالیت دارد و قوه قضائیه کادر قضایی آن را تأمین می‌کند. قبل از اصلاحات به‌عمل آمده در سال ۱۳۸۴ ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی ۱۳۷۹) ضرورت ادامه فعالیت دادگاه‌های ویژه روحانیت را مدنظر قرار داده و مقرر می‌دارد: «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که بر اساس دستور مقام ولایت، رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) تشکیل گردیده طبق اصل پنجم و

۴۴. «جرایم علیه امنیت کشور یا درموردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به‌طور کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند.»

۴۵. خالقی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، پیشین، ۸۷.

پنجاه و هفتم قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را به مصلحت بدانند به جرایم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضائیه می‌باشد.^{۴۶} این دادگاه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی نشده است، به حکم رهبر انقلاب برای رسیدگی به جرایم روحانیون تشکیل شد. در سال‌های اول انقلاب محاکمه عناصر نامطلوب با عنوان «روحانی‌نما» به‌وسیله دادگاه‌های انقلاب صورت می‌گرفت، ولی شرایط و مقتضیات آن زمان به‌ویژه ضرورت برخورد قاطع با روحانی‌نمایان خاصه آن زمان که برخی محاکم عمومی دادگستری در رسیدگی به جرایم این صنف از خود ضعف نشان می‌دادند، منجر به آن شد تا رهبر انقلاب تشخیص دهند نهاد ویژه‌ای امر رسیدگی به جرایم روحانیون را برعهده داشته باشد.^{۴۷}

همان‌گونه که می‌دانیم دادرسی و رسیدگی در دادگاه ویژه روحانیت که طبق مقررات خاص مندرج در آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰ می‌باشد، از شمول قانون آیین دادرسی کیفری خارج است. برخلاف شیوه معمول در سایر مراجع قضایی اختصاصی، دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت از نظام دادرسی خاص و افتراقی تبعیت می‌کند. آیین‌نامه مذکور، حدود صلاحیت، حوزه عملکرد، فرایند تحقیق، قرارهای تأمین و نهایی، جریان محاکمه، ترکیب قضات، ساختار محاکم بدوی و تجدیدنظر، نحوه اعتراض به آراء را تعیین نموده که با آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی متفاوت است. قوه مقننه نقشی در تدوین آیین‌نامه نداشته و توسط خود دادگاه ویژه روحانیت تدوین و به‌تصویب مقام رهبری رسیده است. البته دادرسی و دادگاه ویژه در مواردی که در آیین‌نامه تصریح نشده است، تابع قانون آیین دادرسی کیفری هستند.^{۴۸} ماده ۵۲ آیین‌نامه مقرر داشته: «بجز در مواردی که در قانون تصریح شده است، وظایف و اختیارات قضات دادرسی و دادگاه برحسب مورد، طبق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.» در موارد سکوت آیین‌نامه می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری تمسک جست.

۴۶. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۸)، جلد دوم، چاپ یازدهم، ۱۰۳ و ۱۰۴.

۴۷. سید محمد زمان دریاباری، *دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت* (تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، چاپ اول، ۴۸.

۴۸. جانی‌پور، پیشین، ۲۷۵.

از نقطه نظر صلاحیت، صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت یک نوع صلاحیت شخصی و مبتنی بر شخصیت خاص مرتکب است، اما عمل مرتکب نیز ویژگی‌هایی دارد که خود جداگانه شایسته بررسی است. به علاوه، صلاحیت این دادگاه به موارد دیگری غیر از ارتکاب جرم توسط شخصی خاص نیز توسعه یافته و از این لحاظ لازم است که شخص مرتکب و عمل او هر یک به تفکیک مورد مطالعه قرار گیرد.^{۴۹} حدود صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت به موجب آیین‌نامه به‌نحو گسترده‌ای توسعه داده شده و در مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۷ آیین‌نامه مشخص گردیده است. در ماده ۳۱ آیین‌نامه نیز این صلاحیت توسعه یافته و به اتهامات شرکاء، معاونین و مرتبطين متهم روحانی تسری یافته است. طبق ماده ۱۳ آیین‌نامه رسیدگی به: ۱- کلیه جرایم روحانیون؛ ۲- کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون؛ ۳- کلیه اختلافات محلی منحل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد؛ ۴- کلیه امور که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود، در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت قرار داده شده است.

امور ارجاعی از سوی رهبر در مسائلی که به نظر وی طرح آنها در محاکم دادگستری تالی فاسد دارد یکی دیگر از صلاحیت‌های دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت است. این صلاحیت ارتباطی به روحانی بودن متهم ندارد و ممکن است، متهمین پرونده اصلاً روحانی نباشند و هیچ ارتباطی هم با قشر روحانی نداشته باشند؛ ولی برای حفظ مصلحت کشور و رعایت مسائل امنیتی و سیاسی رسیدگی پرونده به دادرها و دادگاه ویژه روحانیت محول شود. همچنین ممکن است پرونده اصلاً فاقد وصف جزایی و صرفاً یک پرونده حقوقی باشد که باتوجه به وضعیت خاص آن دادرها و دادگاه ویژه روحانیت مأمور رسیدگی به آن می‌شود.^{۵۰} نوع دیگری از صلاحیت در ماده ۱۴ آیین‌نامه پیش‌بینی گردیده که مربوط به دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون می‌باشد. به موجب این ماده در دعاوی مذکور چنانچه برحسب ضرورت و به نظر دادستان منصوب رسیدگی در دادگاه ویژه اصلح باشد، پرونده در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود. آیین‌نامه در ماده ۳۱ رسیدگی به اتهام کلیه شرکاء، معاونین و مرتبطين متهم روحانی را ولو اینکه اشخاص غیرروحانی باشند در صلاحیت دادرها و دادگاه ویژه روحانیت قرار داده است و حتی فراتر از این موضوع، در ماده ۳۱ آیین‌نامه از عبارت کلی‌تر

۴۹. خالقی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، پیشین، ۸۸.

۵۰. جانی‌پور، پیشین، ۲۶۹.

مرتبطین متهم روحانی استفاده نموده و چنانچه یکی از متهمین پرونده روحانی باشد، در هر صورت اتهام سایر متهمین نیز در دادگاه ویژه روحانیت مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر سایر مراجع قضایی اعم از عمومی یا اختصاصی نمی‌توانند با دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت اختلاف صلاحیت کنند و چنانچه این مراجع، دادسرا یا دادگاهی را واجد صلاحیت تشخیص داد، مکلف به رسیدگی است. تبصره ۱ ماده ۱۳ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «در مواردی که دادسرای ویژه رسیدگی به پرونده‌ای را به مراجع قضایی ذی‌ربط واگذار نماید، مراجع فوق موظف به رسیدگی می‌باشند.»

در ارتباط با حقوق دفاعی متهم در دادگاه‌های ویژه روحانیت تبصره ۱ ماده واحد انتخاب وکیل به وسیله اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۰۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به‌عنوان وکیل مشخص می‌کند تا از میان آنان، به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد.» تردیدی نیست که چنین محدودیتی در تعارض با بند دال ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در ۱۳۵۴ به تصویب مجالس مقننه ایران رسیده است و مقرر می‌دارد که هر متهمی حق دارد آزادانه و کیلی جهت دفاع از خود انتخاب و معرفی کند.^{۵۱} در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله بند ۳ ماده ۱۴ حقوق مدنی و سیاسی و مطابق اصل یک از اصول بنیادین نقش وکلا: «تمام افراد حق دارند از مساعدت حقوقی وکیل انتخابی خود جهت حمایت و اثبات حقوقشان و دفاع از آنها در تمام مراحل دادرسی کیفری برخوردار باشند»؛ بنابراین محدود کردن حق انتخاب در میان عده‌ای از وکلا، نقض حق دادرسی منصفانه به‌شمار می‌رود. به همین دلیل کمیته حقوق بشر نظر داد که «متهم حقتش نقض می‌شد زمانی که به او فهرستی از وکلا برای انتخاب یکی از آنها داده یا زمانی که متهم مجبور به پذیرش وکیل نظامی تسخیری شد، با وجود آنکه وکلای غیرنظامی می‌خواستند وکالت او را برعهده گیرند.»^{۵۲}

ملاحظه می‌شود که تبصره ۱ ماده واحد انتخاب وکیل به وسیله اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام حق انتخاب وکیل را در دادگاه ویژه روحانیت محدود به تعیین وکلای روحانی نموده است. مضافاً اینکه این محدودیت مربوط به وکالت در دادگاه ویژه بوده و اختصاص به متهمین روحانی ندارد. از آنجاکه رسیدگی به اتهام شرکاء،

۵۱. آشوری، پیشین، ۱۱۰.

۵۲. جانی‌پور، پیشین، ۲۷۶.

معاونین و مرتب‌ترین روحانی اعم از اینکه روحانی یا اشخاص عادی باشند نیز طبق ماده ۳۱ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت بوده، از طرفی محدودیت انتخاب وکیل به دادگاه اختصاص دارد نه به متهم روحانی؛ فلذا مکلف کردن متهمین غیرروحانی به تعیین وکیل از فهرستی مشخص و سلب حق انتخاب و معرفی وکلای دادگستری از آنان قابل توجیه نخواهد بود و مغایر با حقوق قانونی پذیرفته‌شده متهم در قانون آیین دادرسی کیفری است.

دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت تنها مرجع اختصاصی است که تابع آیین دادرسی ویژه و خاص می‌باشد و از آیین‌نامه مربوطه تبعیت می‌نماید جهت هماهنگ نمودن مقررات دادرسی کیفری در کلیه محاکم رسیدگی‌کننده به موضوعات کیفری و توجه به اصل تساوی افراد در برابر قانون و اینکه قواعد دادرسی کیفری می‌بایست نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود و توجهاً به اینکه در دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت بعضاً به اتهامات اشخاص عادی نیز رسیدگی می‌شود، قانونگذار باید رویکرد اتخاذشده در مورد دادسراها و دادگاه‌های نظامی را اعمال و آیین دادرسی رسیدگی به جرایم و موضوعات در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت را به‌عنوان بخشی جداگانه به قانون آیین دادرسی کیفری الحاق نماید تا هم از شیوه متفاوت رسیدگی نسبت به افرادی که در شرایط مساوی و جهت ارتکاب جرایم مشابه مورد تعقیب قرار می‌گیرند، جلوگیری شود و هم اصول بنیادین دادرسی کیفری مندرج در مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری و سایر حقوق دفاعی متهم در آن قانون در رسیدگی‌های دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت نیز رعایت شود. نکته‌ای که در ماده ۵۲ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

۶-۴- دادگاه اطفال و نوجوانان

برای تأمین هدف حمایت از منافع و مصالح کودکان و نوجوانان بزهکار، علی‌رغم اصل تساوی در برابر قانون و دادگاه‌ها که متضمن محدودیت تشکیل دادگاه‌های ویژه در رسیدگی به جرایم گروه‌های خاص است، دستاوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی موجب شده است در نظام کیفری اغلب کشورها دادگاه ویژه اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات

کودکان بزهکار تشکیل گردد.^{۵۳}

بسیاری از استانداردهای حقوق بشر دربرگیرنده مقرراتی مربوط به مسائل دادرسی جوانان است، من جمله کنوانسیون حقوق کودک مخصوصاً مواد ۱، ۳۷ و ۴۰ اعلامیه حقوق کودک، حداقل استانداردهای سازمان ملل برای حمایت از جوانان محروم از آزادی، اصول راهنمای سازمان ملل درمورد جلوگیری از بزهکاری جوانان، قواعد حداقل استاندارد برای اجرای دادرسی جوانان (قواعد پکن) و نیز شق ب بند ۲ ماده ۱۰ و بند ۳ ماده ۱۰، ماده ۴۰، ماده ۱۴ و ماده ۲۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی. کمیته حقوق بشر اظهارنظر کرد که جوانان باید از حداقل حمایت‌ها و تضمینات مطابق با ماده ۱۴ میثاق که مناسب وضع کودکان است بهره‌مند باشند.^{۵۴} برای مثال ماده ۴۰ کنوانسیون به‌طور مفصل به تضمین‌های همه‌جانبه تشریفات قانونی (دادرسی عادلانه) درمورد کودکان اشاره دارد که از سایر اسناد حقوق بشر اقتباس شده است.^{۵۵} کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد است. ایران به‌موجب ماده‌واحد قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران مصوب اسفند ماه ۱۳۷۲ به‌نحو مشروط به معاهده مزبور ملحق گردیده است. ماده ۷ از حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال و مواد ۳۹ و ۴۰ پیمان حقوق کودک، رعایت اصول و تضمینات اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه را در هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به اتهامات اطفال و نوجوانان لازم‌الرعايه کرده‌اند.^{۵۶}

در قاعده ۱-۱۴ از قواعد پکن نیز رسیدگی به پرونده جرم جوانان مطابق با اصول دادرسی عادلانه و منصفانه توسط مقام ذی‌صلاح (دادگاه، هیئت، شورا و غیره) اشاره شده است و تصریحی به دادگاه اطفال و نوجوانان ننموده است. هرچند در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مذکور به مرجع صالح بسنده شده است؛ لیکن وجود دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان ضروری است.

ماده ۲۹۴^{۵۷} قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه اطفال و نوجوانان را به‌عنوان یکی از

۵۳. همان، ۱۱۷.

۵۴. ویسبرت و بیرون، پیشین، ۲۲۶.

۵۵. نسرین مهرا، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان (تهران: نشر میزان، تابستان ۱۳۹۰)، چاپ اول، ۵۹.

۵۶. حسنعلی مؤذن‌زادگان، «دادرسی کیفری ویژه اطفال در ایران»، فصلنامه ندای صادق ۳۳ (۱۳۸۳)، ۱۴۷ و

۱۴۸.

۵۷. «دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و

دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.»

دادگاه‌های کیفری پیش‌بینی نموده است که منطبق با رویکرد اصول راهبردی و راهنما در اسناد بین‌المللی منطبق با حقوق کودک می‌باشد. تبصره ماده ۳۹۸^{۵۸} قانون مذکور نیز ضرورت تشکیل این دادگاه‌ها را در هر حوزه قضایی بیان کرده است و تا زمان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی به جرایم در صلاحیت این دادگاه‌ها را مانند رویه سابق به شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، محول نموده است. ضمن اینکه ماده ۳۱۵ این قانون (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) نیز مقرر داشته: «جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.» علی‌رغم تصریح قانونگذار و تأکید اسناد بین‌المللی، به تأسیس دادگاه‌های اطفال و نوجوانان؛ لیکن تاکنون نسبت به تشکیل این دادگاه‌ها که صرفاً به جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال رسیدگی نمایند، اقدام نشده است و لازم است قوه قضائیه اقدامات مقتضی را در این راستا معمول تا به اتهام اطفال و نوجوانان به‌نحوی که در اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده در مرجع قضایی تخصصی و با تصدی قضاات مجرب و آموزش‌دیده و آشنا با مسائل ویژه مربوط به این گروه سنی رسیدگی شود.

درمورد قضاات متصدی شعب دادگاه اطفال و نوجوانان کمیته حقوق کودک از دولت‌های عضو خواسته که انتخاب قضاات خاص و متخصص یا رئیس دادگاه‌های بخش که در برخورد با پرونده دادرسی نوجوانان هستند را تضمین کنند. کمیته همچنین اعلام می‌دارد، برای رعایت انصاف در دادرسی دادگاه اطفال ضروری است که همه افراد متخصص در مواجهه با اطفال بزهکار مخصوصاً قضاات از آموزش‌های مناسب برای اطلاع یافتن از محتوا و معنای مقررات کنوانسیون حقوق کودک برخوردار شوند.^{۵۹} قانون آیین دادرسی کیفری نیز شرایط ویژه‌ای را برای قضاات دادگاه اطفال بیان کرده است. ماده ۴۰۹ این قانون مقرر داشته: «قضاات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل

۵۸. «در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان بجز جرایم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، رسیدگی می‌شود.»

۵۹. جانی‌پور، پیشین، ۱۲۲.

پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بدانند، انتخاب می‌کند.»

با ذکر کلیات درمورد دادگاه اطفال و نوجوانان این سؤال مطرح می‌شود که اساساً رویکرد قانونگذار در قبال دادگاه‌های صالح رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان به‌عنوان مراجع قضایی اختصاصی بوده یا تخصصی؟ به‌عبارت‌دیگر دادگاه اطفال در ایران اختصاصی است یا تخصصی؟

قانونگذار در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، به‌لحاظ مصلحت و رعایت حال اطفال و نوجوانان و تحقق هدف درمان و اصلاح، رسیدگی به جرایم آنها را به‌منظور افتراقی بودن دادرسی این دسته از مرتکبین جرایم، در صلاحیت دادگاه اختصاصی تحت عنوان «دادگاه اطفال و نوجوانان» قرار داده است.^{۶۰} در قانون آیین دادرسی کیفری حسب مورد مراجع تخصصی یا اختصاصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان ایجاد گردید. به‌موجب این قانون دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان یک دادگاه اختصاصی و تنها برای رسیدگی به جرایم افراد زیر (۱۸) سال ایجاد شده است. علاوه‌بر آن دادرسی تخصصی (ماده ۲۸۵) دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۳۱۵) دادگاه تجدیدنظر تخصصی (ماده ۴۴۴) حسب مورد ایجاد می‌شود.^{۶۱} جرایمی که اطفال و نوجوانان مرتکب می‌شوند که در صلاحیت دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک است، باید در شعبه کیفری یک ویژه (خاص) رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی شوند. بدیهی است چنین دادگاه تخصصی باید در مرکز استان تشکیل شود.^{۶۲} باتوجه‌به ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران که رسیدگی به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی را در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان اعلام کرده و باتوجه‌به اینکه در هر یک از مواد قانون این دادگاه شعبه‌ای از دادگاهی دیگر معرفی نشده و اجازه رسیدگی به جرایم افراد بالای هجده سال تمام هم به آن داده نشده است و متقابلاً از مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۹۸ همین قانون نیز استنباط می‌شود که با تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه قضایی دادگاه کیفری دو هم دیگر نمی‌تواند به جرایم افراد زیر هجده سال تمام رسیدگی نماید، معلوم می‌شود در نظام قضایی

۶۰. گلدوست جویباری، پیشین، ۳۱۵.

۶۱. طهماسبی، پیشین، ۱۰۱.

۶۲. گلدوست جویباری، پیشین، ۲۷۲.

کشورمان دادگاه اطفال و نوجوانان یک دادگاه اختصاصی محسوب می‌شود.^{۶۳} تخصصی بودن شعب دادگاه‌های کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نمی‌باشد؛ یعنی دادگاه‌های کیفری یک رسیدگی‌کننده به جرایم نوجوانان دادگاه‌های تخصصی هستند نه اختصاصی؛ برخلاف دادگاه‌های اطفال و نوجوانان که دادگاه‌های اختصاصی هستند نه تخصصی.^{۶۴} دادگاه‌های کیفری یک و دو، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه بخش، مراجع کیفری عمومی هستند.^{۶۵} صلاحیت دادگاه اطفال نسبت به دادگاه کیفری یک و دو یک، صلاحیت تخصصی است و نه صلاحیت ذاتی و اختصاصی و حکم تبصره ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته: «تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست»، مؤید این امر است.^{۶۶} ملاحظه می‌گردد دیدگاه حقوق دانان نسبت به دادگاه اطفال و نوجوانان یکسان نیست. بعضی با در نظر گرفتن معیار شخصی و بدون توجه به کلیه ویژگی‌ها و خصوصیات مراجع کیفری اختصاصی و با برداشت از منطوق و نحوه نگارش مواد قانونی مربوطه در قانون آیین دادرسی کیفری این دادگاه را با وحدت قاضی دادگاهی اختصاصی و در موارد تعدد قاضی آن را شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک و تخصصی تلقی نموده‌اند و برخی دیگر در هر صورت دادگاه اطفال و نوجوانان را از شمول مراجع کیفری اختصاصی خارج و عقیده به تخصصی بودن آن دارند.

در قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار دو موضع متفاوت را نسبت به این دادگاه اتخاذ نموده است. ابتدا در مواد ۲۹۴ و ۲۹۸ به صراحت به دادگاه اطفال و نوجوانان اشاره نموده که اختصاصی بودن این دادگاه را به ذهن القاء می‌نماید و تا زمان تأسیس آنها رویه سابق (اختصاص شعبه‌ای از دادگاه‌های کیفری به‌عنوان شعبه ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان) را حاکم دانسته است. سپس در ماده ۳۱۵ به شعبه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم این گروه سنی اشاره می‌نماید و هر دو رویکرد اختصاصی و تخصصی تلقی نمودن، از مواد قانونی مذکور قابل استنباط است؛ یعنی در غیر جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی، دادگاه اطفال و نوجوانان را یک دادگاه اختصاصی و در سایر موارد دادگاه کیفری یک را به‌عنوان شعبه ویژه رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال و نوجوانان که

۶۳ خالقی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، پیشین، ۸۱.

۶۴ محمد مصدق، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۴)، چاپ پنجم، ۳۸۷.

۶۵ ناجی‌زواره، پیشین، ۱۳.

۶۶ رحمدل، پیشین، ۱۹۳.

در صلاحیت آن مرجع بوده، معرفی نموده است که این موضع متفاوت از سوی قانونگذار موجب برداشت‌های متفاوت گردیده است؛ بنابراین با وجود اینکه قانونگذار ایران ضرورت وجود دادگاه‌های مذکور را بیان کرده است؛ اما همچنان به اتهام اطفال و نوجوانان در دادگاه‌های کیفری یک و دو رسیدگی می‌شود و تاکنون دادگاه اختصاصی رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال و نوجوانان تشکیل نشده است. به نظر می‌رسد باتوجه‌به اینکه قانونگذار در ماده ۳۰۴ مقرر داشته: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود...» و حتی به‌موجب تبصره ۲ ماده مذکور، در صورت تجاوز سن متهم از هجده سال در حین رسیدگی، دادگاه اطفال و نوجوانان صالح به رسیدگی است و به این اعتبار این دادگاه‌ها را باید از نوع اختصاصی تلقی کرد. با وجود این تصریح ماده ۳۱۵ به دادگاه کیفری یک ویژه (تخصصی) اطفال و نوجوانان و اینکه ماده ۴۴۴ به دادگاه تجدیدنظر تخصصی اطفال و نوجوانان با ابلاغ رئیس قوه قضائیه اشاره داشته و از طرف دیگر ماده ۲۸۵ دادرسی ویژه (تخصصی) نوجوانان را پیش‌بینی نموده است. با این اوصاف دادگاه کیفری یک ویژه، رسیدگی به جرایم افراد بالغ زیر هجده سال موضوع ماده ۳۱۵ (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) را نمی‌توان دادرسی و دادگاهی اختصاصی تلقی نمود؛ زیرا اگرچه به‌موجب ذیل ماده قانونی اخیرالذکر متهم در این دادگاه‌ها از کلیه امتیازات دادگاه‌های اطفال و نوجوانان برخوردار خواهد بود؛ لیکن نظر به امکان ارجاع سایر پرونده‌ها به شعب مذکور، باید دادرسی دادگاه کیفری ویژه نوجوانان را شعبی از مراجع عام رسیدگی محسوب کرد که اختصاصاً صالح به رسیدگی به اتهامات مندرج در ماده ۳۱۵ هستند. مضافاً اینکه این شعب در واقع شعبی از دادرسی و دادگاه‌های کیفری عمومی هستند که فاقد ویژگی‌های خاص دادگاه‌های اختصاصی می‌باشند؛ فلذا این دادگاه‌ها را باید یک مرجع تخصصی بدانیم نه اختصاصی. بدین ترتیب، عبارت: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود»، محل تأمل است.

لازم به ذکر است در اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک و حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوانان (قواعد پکن) نیز به مراجع تخصصی و مقام صالح و رسیدگی طبق اصول محاکمه منصفانه و عادلانه در مورد اتهامات اطفال و نوجوانان تأکید نموده است و اشاره‌ای به اختصاصی بودن مرجع رسیدگی‌کننده به جرایم این گروه سنی نداشته است. با عنایت به مراتب پیش‌گفته و اینکه تأسیس و تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان با حضور قضات مجرب، متخصص و آشنا به مسائل مربوط به این گروه

سنی که صرفاً برای رسیدگی به جرایم آنان ایجاد شده باشد، لازم و ضروری است و می‌بایست این دادگاه به‌عنوان یک مرجع رسیدگی‌کننده به کلیه جرایم این گروه تشکیل و حتی به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی نیز در دادگاه اطفال و نوجوانان و با تعدد قاضی، حضور مشاور و با تشکیل پرونده شخصیت رسیدگی شود و به‌منظور اتخاذ تصمیم متناسب با شخصیت اطفال و نوجوانان و ایجاد رویه واحد در رسیدگی‌ها از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها خودداری گردد.

نتیجه

تأسیس مراجع قضایی اختصاصی در ایران بر اساس دو ضابطه نوعی (نوع جرم) و شخصی (شخصیت مرتکب) است. استانداردها و معیارهای مندرج در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای تشکیل محاکم کیفری اختصاصی را منع نمی‌کنند. آنچه که در تشکیل این مراجع از نظر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مهم و واجد اهمیت می‌باشد، رعایت تضمینات و مؤلفه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه است و در صورت رعایت الزامات دادرسی عادلانه منعی در تشکیل آنها وجود ندارد. با این اوصاف تشکیل مراجع اختصاصی بر اساس ضابطه شخصی قابل‌توجه‌تر با مبانی و جایگاه این مراجع است و تشکیل دادگاه‌های اختصاصی بر اساس ضابطه نوعی مورد تأکید نبوده؛ چراکه می‌توان با اختصاص شعب عمومی به‌عنوان شعب ویژه یا تخصصی به اهدافی که از ایجاد مراجع اختصاصی مدنظر بوده رسید؛ یعنی به سمت تخصصی شدن و نه اختصاصی کردن دادگاه‌های کیفری گام برداریم. موضوعی که هم در دادسرا و هم در دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور باتوجه به صلاحیت عام آنان مورد توجه قرار گرفته است؛ فلذا اقدام قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در حذف شیوه‌های دادرسی افتراقی در دادگاه انقلاب و اینکه مقررات حاکم بر این دادگاه را مشابه با مراجع کیفری عمومی قرار داده است، تمایل و گرایش به تخصصی کردن دادگاه‌ها و نه اختصاصی نمودن آنها را نشان می‌دهد. مضافاً اینکه به‌موجب ماده ۵۶۶ قانون مذکور ممکن است شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها (همانند دادسراها) برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند و در تبصره آن ماده نیز شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

باتوجه به الزامات مربوط به معیارهای دادرسی منصفانه و عادلانه در دادگاه‌های اختصاصی و محدود نمودن صلاحیت آنها، لازم است برخی محدودیت‌های مربوط به حقوق دفاعی متهم

و انتخاب وکیل حذف و از توسعه صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی بر اساس شخصیت متهم و تسری آن به افراد عادی و موضوعات غیر کیفری اجتناب شود و اصل کلی مندرج در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری با این مفهوم که «قواعد دادرسی کیفری نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال گردد»، رعایت شود و از اتخاذ شیوه‌های متفاوت در رسیدگی به اتهامات کیفری افراد عادی جلوگیری شود. به عبارت دیگر مراجع اختصاصی بر اساس ضابطه شخصی (شخصیت مرتکب) در رسیدگی به اتهامات افراد عادی تابع آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی قرار گیرند.

فهرست منابع

- آخوندی‌اصل، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. جلد چهارم (اندیشه‌ها). چاپ اول. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۸.
- آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹/۰۵/۱۴ با اصلاحات بعدی. اعلامیه بیجینگ (پکن). اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- باقری‌نژاد، زینب. *اصول آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
- پاک‌نیت، مصطفی. *افتراقی شدن دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، تابستان ۱۳۹۶.
- جانی‌پور، علی. *دادگاه‌های کیفری اختصاصی (تحلیلی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران)*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ سی و پنجم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شهریور ۱۳۹۶.
- خالقی، علی. *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- دریاباری، سید محمد زمان. *دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت*. چاپ اول. تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- رحمدل، منصور. «آیین دادرسی کیفری افتراقی در قبال جرایم مواد مخدر» در *علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری*، جمعی از نویسندگان به اهتمام محمد صدر توحیدخانه مبارکه، ۲۶۱-۲۴۲. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- رحمدل، منصور. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: انتشارات دادگستری، پاییز ۱۳۹۴.
- سپهری، روح‌الله. *آیین دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی استثنائات در حقوق ایران و فرانسه)*. چاپ اول. تهران: انتشارات دادگستر، زمستان ۱۳۹۵.
- سید فاطمی، سید محمدقاری. *حقوق بشر در جهان معاصر*. دفتر دوم، جستاری تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها. چاپ سوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- صابر، محمود. *آیین دادرسی کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دادگستر، بهار ۱۳۹۴.
- طهماسبی، جواد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد سوم (صلاحیت دادگاه‌های کیفری، اعتراض به آراء، ادله اثبات در امور کیفری). چاپ اول. تهران: نشر میزان، بهار ۱۳۹۶.
- فضائلی، مصطفی. *دادرسی عادلانه محاکمات بین‌المللی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، زمستان ۱۳۸۲.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸/۰۲/۰۸.
- قانون الحاق سازمان قضایی ارتش به دادگستری مصوب ۱۳۶۶/۰۸/۱۰.
- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۰۵/۰۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴/۰۲/۲۲.
- قانون ماده‌واحد انتخاب و کیل به‌وسیله اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۵.
- کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر.
- کنوانسیون حقوق کودک.
- کنوانسیون رفع تبعیض نژادی.
- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان.
- گلدوست جویباری، رجب. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ دهم. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۶.
- مجیدی، سید محمود. «آیین دادرسی کیفری افتراقی ناظر به جرایم علیه امنیت در سیاست کیفری ایران و فرانسه». *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق* ۴(۲۸) (زمستان ۱۳۸۴): ۱۷۰-۱۴۳.
- مصدق، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۴.
- منصورآبادی، عباس، و فضل‌الله فروغی. *آیین دادرسی کیفری* ۱. چاپ دوم. تهران: نشر میزان، بهار ۱۳۹۶.
- مهرآ، نسرين. *عدالت کیفری کودکان و نوجوانان*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، تابستان ۱۳۹۰.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی. «دادرسی کیفری ویژه اطفال در ایران». *فصلنامه ندای صادق* ۳۳ (۱۳۸۳): ۱۶۱-۱۳۹.
- میثاق حقوق مدنی و سیاسی.
- ناجی‌زواره، مرتضی. *آشنایی با آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
- ناجی‌زواره، مرتضی. *دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری*. چاپ دوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.
- ویسبرت، دیوید، و فردریکسون بایرون. *دادرسی عادلانه*. چاپ اول. ترجمه فریده طه و لیلا اشراقی. تهران: نشر میزان، پاییز ۱۳۸۶.